



پول سازی به وقت خانه‌نشینی

درآمدزایی ۷نمونه از مشاغل خانگی که امروزه علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده‌اند

۱۸

● دوشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۲ | ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۲۴۴

رشد بزرگ با شغل‌های کوچک

مشاغل خانگی در بیشتر کشورهای دنیا به‌عنوان یکی از پایه‌های توسعه و کسب درآمد به شدت جدی گرفته شده‌اند

۲۰



همیشه‌ها یک اجتماعی



عکس همشهری علی انکاری

مورد عجیب یک شغل خانگی

۳ زن کارآفرین ایرانی قصه‌شان را با ما به اشتراک گذاشته‌اند؛ قصه‌ای که از یک شغل خانگی شروع شد

گزارش روزنامه‌نگار

فاطمه عسگری نیا

همه چیز از تلاش کردن شروع می‌شود؛ تلاش از

هر جایی که آنها بوده‌اند و با هر چه که در اختیار داشته‌اند. همین تلاش‌های شروع شده، ادامه یافته و باعث شده تا آنها نه تنها برای خودشان و خانواده‌شان رفاه، موفقیت و اعتبار کسب کنند که حتی برای محل سکونت‌شان هم اعتبار، رونق

و رفاه به همراه بیاورند. اینها در حالی اتفاق افتاده که این زنان کارآفرین اگر می‌نشستند و به این فکر می‌کردند که با یک شغل خانگی که بهار نمی‌شود، هیچ تلاشی شروع نمی‌شد و هیچ موفقیتی هم به‌دست نمی‌آمد، اما همین



از گره‌های قالی تا پرورش شترمرغ

یکی از ویژگی‌های زنان کارآفرین اراده و پشتکاری است که دارند. زهرا داودآبادی، اهل ازاک یکی از این زنان است که علاوه بر قالیبافی و اشتغال‌زایی از این محل برای خود و سایر زنان خانه‌دار، در پرورش شترمرغ هم دستی بر آتش دارد، رشته‌ای که فعالیت در آن، هم ریسک زیادی دارد، هم سختی‌های خاص خودش را. هنر قالیبافی را از مادرش فرا گرفته، اما به همین بسنده نکرده و برای اینکه فعالیت‌هایش را در این رشته حرفه‌ای‌تر دنبال کند، در کلاس‌های قالیبافی فنی و حرفه‌ای شرکت کرده است؛ «به اعتقاد من هنر قالیبافی از جمله مشاغل خانگی است که زنان به راحتی می‌توانند با فعالیت در آن، هم به امورات منزل رسیدگی کنند و هم به درآمد قابل توجهی دست پیدا کنند».

وقتی کارگاه آموزش قالیبافی خود را در گوشه‌های از خانه‌اش راه‌اندازی می‌کرد فکرش را هم نمی‌کرد که یک روز به عنوان یکی از تولیدکننده‌های مطرح این رشته در کشور دست یابد؛ «کارم را باخذ وام ۳۰ میلیون تومانی از بسیج سازندگی شروع کردم. ۴۰ دار قالی به اضافه مصالح مورد نیاز را خریداری کردم و به بافنده‌هایی که دوره آموزشی‌شان تکمیل شده بود تحویل دادم و متعهد شدم بعد از بافت کار فروش محصولات را خودم دنبال کنم؛ همین برای زنان بافنده ایجاد انگیزه کرد.» در کارگاه‌های تولیدی او سالانه بالغ بر ۷۰۰ بسته فرش و ۴۰ تابلوفرش تولید می‌شود تا علاوه بر بازار داخلی در بازارهای خارجی مانند عراق و کشورهای آسیای شرقی به فروش برسند؛ «در منطقه داودآباد و فراهان برخلاف بسیاری از نقاط کشور، قالیبافی رواج دارد و خانم‌ها بسیار مشتاق فراگیری آن هستند، در واقع می‌توان گفت قالیبافی در این منطقه کاملاً احیا شده است، روزانه حداقل ۱۰ نفر با مراجعه به کارگاه، خواستار آموزش می‌شوند. متأسفانه بخش عمده‌ای از خانم‌ها حقوق بخور و نمیر منشی‌گری و پشت میزنشینی را بر کار تولید ترجیح می‌دهند.» درست است که کارگاه‌های قالیبافی این بانوی اراکی رونق خودش را داشت، اما او دوست داشت علاوه بر این حوزه در بخش پرورش و تولید گوشت شترمرغ هم فعالیت کند. حتی با وجود همه ریسک‌هایی که این فعالیت تولیدی و اقتصادی داشت دل به دریا زد و فعالیت خود را شروع کرد؛ «شترمرغ حیوانی حساس و ترسو است که با کوچک‌ترین صدایی می‌ترسد و ممکن است تلف شود؛ بنابراین کمتر کسی به خاطر این مسئله وارد این رشته کاری می‌شود، اما من همیشه دوست دارم کارهای سخت را انجام دهم چرا که معتقدم زنان توانایی‌های زیادی دارند.»



آنه خدیجه، یک کارآفرین خستگی‌ناپذیر

مرور قصه زنان موفق که از گوشه خانه کوچکشان کسب و کاری راه انداختند و حالا برای خود به یک کارآفرین در جامعه تبدیل شده‌اند همیشه شیرین و لذتبخش است، اما وقتی این خلوت و شیرینی بیشتر می‌شود که ببینی همه این تلاش‌ها توسط زنی دنبال شده است که کسی باور نداشت به‌خاطر معلولیتی که در پی یک حادثه برای او ایجاد شده حتی بتواند کارهای شخصی‌اش را دنبال کند. صحبت از خدیجه یقه، زن ترک‌من‌حجریایی است که با تلاش بی‌وقفه و اراده آهنینش ثابت کرد یک دست هم صدا دارد. آن خدیجه وقتی ۷ساله بود دست راستش را به‌خاطر پیچ خوردن طلماب تاب دور دستش از دست می‌دهد، در حالی که همه می‌گفتند دختری که یک دست ندارد نمی‌تواند زندگی عادی داشته باشد، او باانگیزه، مشغول یادگیری بافت فرش و نمود از روی دست زنان روستای آق فلاشد و وقتی از این توانایی پرده برداشت که توانست یک پشتری را ظرف ۱۲ روز بیافد و محصولش را در بازار به فروش برساند: «با پول حاصل از این پشتی مواد اولیه برای تولید بعدی را خریداری کردم و در برابر حیرت و ناباوری همه، برای خودم کسب و کار کوچکی راه‌اندازی کردم تا اینکه ازدواج کردم و نخستین کارگاهم را به‌صورت رسمی همراه با دخترانم در انباری خانه‌مان تاسیس کردم.» آنها کارشان را با خرید نخ و در اختیار قالیباف‌ها گذاشتن، استارت زدند اما خیلی سریع به فکر گسترش کار افتادند: «هدف‌هایی را که داشتیم با یک شرتک فرش دستباف دنبال کردم و زمینه فعالیت ۲۰ قالیباف در این مجموعه فراهم شد. هر چه می‌گذشت بر رونق کارهای ما هم افزوده می‌شود. خودم و دخترانم در خانه و نیروهای دیگر هم در خانه‌های خودشان مشغول کار بودند. فعالیت‌هایمان با شرتک در نمایشگاه‌های صنایع دستی و معرفی محصولات‌مان رونق بیشتری به خود گرفت؛ به‌طوری که الان تعداد نیروهای شرتک به ۶۰ نفر رسیده و ۰۰ نفر از آموزش‌های ما بهره‌مند و مشغول به کار شده‌اند.» و حالا ۲۵سالگی است که تحت پوشش بهزیستی است، هم به‌عنوان کارآفرین برتر زن انتخاب شده و هم در جشنواره گره زرین، بهترین عنوان را کسب کرده است. آنه خدیجه تنها بانوی کارآفرین ایران است که پلاک ماندگار دریافت کرده و آن را سر در خانه‌اش نصب کرده است، اما همه اینها باعث نشده او در ۴سالگی خودش را بازنشسته کند، بلکه همچنان با همان شور و عشق و حرارت به کارش ادامه می‌دهد و معتقد است ماندگاری او در عرصه فعالیت‌ها ثابت می‌کند که انسان‌ها در هر شرایطی با امید می‌توانند قصه زندگی خود را شیرین‌تر روایت کنند.



بی‌بی‌زینب، روستای کلیورگان را جهانی کرد

زینب منفرد، یکی از بانوان بلوچی است که باهنر دستانش توانسته اسم و آوازه روستای کلیورگان و سفال‌های خوش آب و رنگش را سرزبان عاشقان صنایع دستی و گردشگری ایران و جهان بیندازد؛ روستایی از توابع شهر سراوان در ۷۰کیلومتری مرز پاکستان. در این روستای کوچک اما زیبا، همه او را بی‌بی‌زینب صدامی‌کنند، نه به‌خاطر اینکه سن و سال زیادی داشته باشد بلکه به خاطر حق مادری که گردن همه زنان و دختران و چه بسا مردان این روستا دارد. بی‌بی‌زینب از کودکی سفالگری را کنار دست مادر و مادر بزرگش آموخته بود، اما نمی‌دانست روزی روزگاری همین سفال‌هایی که هیچ یک از اهالی روستا قدرشان را نمی‌دانستند، با تدبیر او باعث می‌شود که روستایشان ثبت جهانی شود. قصه زندگی‌اش را که برایمان روایت می‌کنند، از روزهای سختی می‌گوید که مجبور بود به تنهایی در خانه‌ای نیمه‌مخروبه که البته شکل و شمایل زیادی هم به خانه نداشت، با ساخت ظرف‌های سفالی شکم خانواده‌اش را سیر کند؛ «همسرم بیمار است و ۴فرزند دارم. یکی از بچه‌ها هم معلول است. هیچ منبع درآمدی جز فروش همین ظرف‌های سفالی و مستمری که از بهزیستی دریافت می‌کردیم نداشتیم. یک روز که از بهزیستی برای سرکشی به خانواده‌های تحت‌پوشش به روستای ما آمدند و شرایط زندگی ما را در آن خانه نیمه‌مخروبه دیدند، پیشنهاد ارئه کمک دادند. من به جای هر کمکی از آنها خواستم هزینه ساخت یک کارگاه مجیزه به گوهر را برایم تأمین کنند تا بتوانم سفالی را در خانه برای خودم ایجاد کنم؛ پیشنهادی که با موافقت آنها روبه‌رو شد.» چراغ کارگاه بی‌بی‌زینب که روشن شد، تعداد زیادی از زنان و دختران روستا در آن شافل شدند و شروع کردند به تولید انبوه سفال‌های زیبا البته این کار برای مردان روستا هم بی‌منفعت نبود، چرا که حالا باید دوشادوش زنان برای تأمین مواد اولیه سفال‌ها که خاک مخصوص بود دست به کار می‌شدند. خلاصه اینکه با همت و شجاعت یک زن بلوچ، هنر هزارساله‌ای که در روستای کلیورگان خاک می‌خورد و مردم از آن غافل بودند، حالا سر از بازارهای جهانی در آورده و هر ساله گردشگران زیادی به واسطه ثبت جهانی این روستا بدان سفر می‌کنند؛ «سال ۱۳۹۶ چند نفر از سازمان یونسکو به روستای کلیورگان آمدند. آنها، هم روستای ما را دیدند، هم کارگاه‌ها و سفال‌هایی را که ما زن‌ها اینجا درست می‌کنیم. رفتند و پس از مدتی گفتند روستای ما نخستین روستای ایران است که به‌عنوان موزه زنده سفال، ثبت جهانی شده است. همان سال در جشن ثبت جهانی روستای مار رئیس منطقه‌ای شورای جهانی آسیا و اقیانوسیه و معاونش، لوح ثبت روستای سفالگری کلیورگان را به‌عنوان نخستین روستای جهانی منطقه آسیا و اقیانوسیه، به مسئولان و مردم سیستان و بلوچستان دادند.»

نکته

مشاغل خانگی چیست؟

مطابق قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، مشاغل خانگی شامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار، بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می‌گیرد و منجر به تولید خدمت یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می‌گردد.

■ ■ ■

چه وضعی دارد؟

مشاغل خانگی در ایران و جهان، از آن دست کسب و کارهایی است که به شدت در حال گسترش‌اند. گفته می‌شود که آغاز و گسترش کارآفرینی دیجیتال نیز مصداقی از مشاغل خانگی دانسته می‌شود که به نوعی باعث ایجاد نوعی انقلاب در تاریخچه این مشاغل شده است.

■ ■ ■

متولی دارد؟

در ایران، ستادی تشکیل شده است به نام ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی که در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دارد. این ستاد ضمن اینکه قواعد و قوانین این حوزه را تبیین می‌کند، در ۴۲ فاز از این مشاغل حمایت می‌کند؛ از جمله در حوزه‌های مالی، تسهیلاتی، آموزشی، مجوز و ...

■ ■ ■

تسهیلات دارد؟

جانب اینکه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بیش از ۳ میلیون نفر از ایرانیان در سامانه مشاغل خانگی ثبت‌نام کرده‌اند و به بیش از نیمی از آنها مجوز این شغل‌ها داده شده است. اگر کارشناسان طرح توجیهی شما را بپذیرند، به شما تسهیلاتی هم داده می‌شود که برای رونق دادن به این کسب و کارهاست.

■ ■ ■

چه رشته‌هایی؟

بر اساس مصوبات ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، رشته‌های مشاغل خانگی در حوزه‌های صنایع دستی، فرش دستباف، امور تولیدات دامی، شیلات، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، عشایری، امور تولیدات گیاهی، تولیدی (صنعت و خدمات)، فعالیت‌های فرهنگی و هنری است.

■ ■ ■

چه شکل‌هایی دارد؟

فعالیت در حوزه مشاغل خانگی به ۳صورت امکان پذیر است: انجام فعالیت به صورت کارمزدی برای کارفرمای خارج از محیط مسکونی، انجام فعالیت مستقل اعم از تأمین مواد اولیه تا عرضه محصول به خارج از محیط مسکونی و انجام فعالیت به صورت تعاونی یا مشارکت با بنگاه‌های مبادا دستی تأمین‌کننده مواد اولیه و عرضه محصول آنان در بازار، ترجیحا به صورت کسب و کار خوشه‌ای.

رضا یادگاری

کارآفرین و مدرس کارآفرینی

یادداشت

منافع بی‌شمار مشاغل خانگی

بحث ما با چند تا نکته شروع می‌شود؛ نکته اول این است که دیگر مثل گذشته، رفتن به دانشگاه و درس خواندن آکادمیک دردی از ما در حوزه اشتغال‌زایی و شاغل شدن دوا نمی‌کند. همین ۳،۲سال پیش بود که یکی از مسئولان وزارت علوم، گفت که من رسماً اعلام می‌کنم که مدرک دانشگاهی دیگر شغل به همراه ندارد. یعنی که دانشگاه یکسره بیپوده است؟ آکیدا؛ تنها باید دانشی را که به‌صورت آکادمیک کسب می‌کنید، کاملاً با نیازهای بازار هدف تطبیق داده و مدام به‌روز کنید؛ در این صورت است که راه به جایی خواهید برد. با عطف به اینکه بیش از نیمی از دانشجویان ما را هم دختران و زنان تشکیل می‌دهند، پس می‌توانیم ادعا کنیم که این بحث درباره آنان بغرنج‌تر می‌شود.

نکته دوم آن است که ما در جامعه‌مان گروه‌هایی را داریم که نیازمند همراهی و حمایتی حاکمیتی هستند. همین ۲هفته پیش بود که رئیس کمیته امداد، اعلام کرد نیمی از مددجویان آنها را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند و این، یعنی آنکه ما با گروه‌هایی روبه‌رو هستیم که غالباً برایشان کارهای پشت میزی و رسمی و... فراهم نیست و از سوی دیگر به‌صورت فوری نیازمند کسب درآمد هستند. سیدمر ترضی بختیاری، همچنین چند روز پیش هم اشاره کرده بود که «تسهیلات اشتغال مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) ۴۰درصد افزایش یافته است. با توجه به کمک‌های دولت و مجلس در حوزه حمایت اشتغال مددجویان، امسال تا پایان سال ۱۰۰هزار خانوار که با کمک اشتغال کمیته امداد به توانمندی اقتصادی رسیده‌اند از پوشش این کمیته خارج خواهند شد.» در اینجا به‌واقع ما با افرادی روبه‌رو هستیم که به جای اینکه خودشان را درگیر دریافت حمایت‌های مالی کنند، تلاش بیشتری کرده‌اند و به توانمندی رسیده و از دایره حمایت‌های مالی خارج شده‌اند.

نکته سوم آن است که همه‌چیز، در یک درآمد به قول معروف بخور و نمیر نیست. شاید بازخوانی این گفته‌های هنری کی‌سینجر درباره لی‌کوان یو، نخست‌وزیر سنگاپور در ۱۹۵۳رشد طلایی این کشور و تبدیل آن به یکی از بزرگان اقتصادی جهان و آسیا، بد نباشد: «از منظر لی‌کوان یو زنده‌ماندن کفایت نمی‌کرد. همیشه می‌گفت که هوشیاری، نبوغ و انضباط می‌توانند جایگزین فقدان منابع باشند. بکوشید تا با برتری و افتخار بنامید و به پیروزی دست یابید.» نکته اینجاست که توسعه در وجه اجتماعی و عمومی خودش، با مواردی چون قناعت در وجوه فردی تفاوت دارد. در امر توسعه، «حد کفایت» وجود ندارد و تا جایی که می‌توانید باید پیش رفته و پیشرفت کنید.

نکته دیگری هم که به ذهنم می‌رسد، بحث مشغولیت‌های ذهنی زنان سرزمین ماست. همه می‌دانیم که به دوره‌های نزدیک می‌شویم که زنان نیز باید منابع درآمدی مستقل خودشان را داشته باشند، اما مهم‌تر از این منابع، آن است که چه مرد و چه زن، باید خودش را به‌گونه‌ای به‌کار و تلاش مشغول کند که فرصتی برای بیکاری ذهنی نداشته باشد. بیکاری ذهنی، سراغ افسردگی و تنش‌های حتی جسمانی قلمداد می‌شود. شاید این نقل از حجت‌الاسلام سیدمحمد طباطبایی، روحانی نام‌آشنا ایرانی که در حوزه اخلاقی شناخته شده بود، بد نباشد که گفت: «به دخترانم قالیبافی آموختم؛ صرفاً به این دلیل که حتی اگر از ناچیز آن درآمد هم نکنند، سرگرم باشند و همین سرگرم بودن آنها را از بیکاری ذهنی دور کند.»

مجموعه همه این بحث‌هایی را که مطرح کردیم، در جایی به اسم مشاغل خانگی و اشتغال خانگی به هم می‌رسند. به‌واقع در حوزه مشاغل خانگی، ما هم می‌توانیم برای گروه‌هایی که نیاز فوری به کسب درآمد و حمایت مالی دارند، ایجاد معر درآمد کنیم، هم می‌توانیم خط تولید کارخانه‌های بزرگ را به درون خانه‌ها ببریم و هم می‌توانیم توسعه اقتصادی کشور را سرعت ببخسیم و از به هم پیوستن این درآمدهای ریز و درشت، به یک عدد رشد اقتصادی قابل توجه برسیم. بی‌جهت نیست که در کشوری چون تایوان، که حالا برای خودش الگویی در توسعه محسوب می‌شود، شعار «هر خانه یک کارخانه و هر کارخانه یک خانه» مطرح است. درواقع

مشاغل خانگی صرفاً امر تزئینی و وینتری نیستند؛ بلکه یک ضرورت جدی هستند؛ ضرورتی که گروه‌هایی چون زنان سرپرست خانوار را به‌س‌کار می‌گمارد، آن هم در محیط امن خانه. تولیدات جزئی و حتی متوسط کارخانه‌ها را در خانه‌ها ایجاد کرده و بار مالی آنها را کمتر و در نهایت، جریان اقتصادی در رگ‌های یک جامعه را بیشتر و بیشتر می‌کنند. به‌واقع چه چیزی بهتر از این؟ اینکه روی چیزی تمرکز کنید که در آن واحد، برای شما هم حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از گروه‌های آسیب‌پذیر را به همراه داشته باشد و هم هزینه تمام‌شده کارخانه‌ها و تولید را کم کند و هم چرخ توسعه اقتصادی را بیشتر بچرخاند.